

هماهنگی واکه‌ای در گویش سبزواری

اعظم استاجی (دانشگاه فردوسی مشهد)

چکیده: مقاله حاضر به توصیف یکی از ویژگی‌های آوایی گویش سبزواری، یعنی هماهنگی واکه‌ای، می‌پردازد. در این گویش، حروف اضافه و پیشوندهای فعلی، براساس واکه موجود در واژه بعد از خود، تکواژگونه‌های متعددی می‌یابند. به این ترتیب که واکه موجود در حروف اضافه و پیشوندهای فعلی با واکه موجود در اسم یا فعلی که بعد از آنها ظاهر می‌شود هماهنگ می‌گردد. بررسی داده‌ها نشان می‌دهد که هماهنگی واکه‌ای در مواردی به وقوع می‌پیوندد که عنصر هماهنگ شونده مختوم به واکه باشد (de, be, be-, mi-). هماهنگی مذکور از نوع پسرو است که می‌تواند به صورت کامل یا ناقص صورت گیرد. عامل تعیین‌کننده هماهنگی معمولاً هجای اول فعل یا اسم است.

کلیدواژه: هماهنگی واکه‌ای، پیشوندهای فعلی می، -، -، حروف اضافه، گویش سبزواری

۱ مقدمه

سبزوار، که در گذشته دور بیهق خوانده می‌شده، یکی از شهرستان‌های استان خراسان رضوی، در ۲۰۰ کیلومتری غرب مشهد قرار گرفته و با استان سمنان و شهرستان‌های بجنورد، اسفراین، نیشابور و کاشمر همسایه است. گویش این منطقه سبزواری است که بجز تفاوت‌های آوایی و واژگانی تفاوت چندانی با فارسی ندارد. گفتنی است که این گویش در روستاهای سبزوار دارای تنوعات فراوانی می‌گردد که عمده تفاوت آنها با گونه شهر سبزوار تفاوت‌های آوایی به‌ویژه تفاوت در واکه‌هاست. در این مقاله، یکی از ویژگی‌های جالب توجه گویش شهر سبزوار، یعنی هماهنگی واکه‌ای، بررسی می‌شود.

داده‌های این تحقیق را عمدتاً نگارنده، که خود گویشور بومی این گونه است، فراهم کرده است. با این حال، برای اطمینان از درستی نحوه ثبت آوانگاری این صورت‌ها، سه ساعت مکالمه به گویش سبزواری توسط دیگر گویشورانی که ساکن شهر سبزوارند و سبزواری گویش مادری آنها است نیز مورد تحلیل قرار گرفته است.

۲. پیشینه تحقیقات

عمده مطالب به جا مانده از گذشته درباره گویش سبزواری را بیشتر علاقه‌مندان به حفظ این گویش گردآوری کرده که براساس اصول تحلیل زبان‌شناسی ارائه نشده‌اند؛ مثلاً، بیهقی (۱۳۸۳) در بخشی از دایرة‌العارف بزرگ سبزواری و در سبزواری شهر اندیشوران بیدار (۱۳۷۹) اشعاری به گویش سبزواری آورده است. در این نمونه‌ها، مواردی از هماهنگی واکه‌ای به چشم می‌خورد. اما این نمونه‌ها تحلیل و بررسی نشده‌اند.

در سال‌های اخیر، نگرش‌های زبان‌شناختی معطوف به توصیف این گویش شده است که از آن جمله می‌توان به پایان‌نامه‌هایی در این زمینه اشاره کرد. دلبری (۱۳۸۰) در «بررسی و توصیف گویش دلبری»، که یکی از روستاهای سبزواری است، بدون اینکه از اصطلاح هماهنگی واکه‌ای استفاده کند، به تغییر شکل پیشوندها براساس واکه موجود در فعل بعد از آنها اشاره می‌کند؛ مثلاً، در مورد پیشوند be-، دلبری (۱۳۸۰: ۶۷) می‌نویسد، هرگاه تکواژ گذشته دارای واکه o باشد، be- به bo- تبدیل می‌شود:

xord > boxard	خورد
gozašt > bogzašt	گذشت
košt > bokuš	کشت

ظهور پیشوند می- (mi-) به صورت‌های (mæraeftom) mæ-، (mandaxtom) ma- و (mereftæ) me- را نیز دلبری براساس تعداد هجاهای فعل (در مضارع اخباری) توجیه می‌کند که البته تعمیم وی با موارد نقض فراوانی مواجه می‌گردد. (همان: ۶۹)

بروغنی (۱۳۸۱) در بررسی زبان‌شناسانه گویش سبزواری به توصیف این گویش می‌پردازد. اما توصیف وی نیز در واقع توصیفی از گویش شهر سبزواری نیست بلکه توصیفی است از گویش رایج در روستای بروغن و اشاراتی به وضعیت این گویش در روستاهای مجاور

آن. بروغنی (۱۳۸۱: ۶۹)، هنگام پرداختن به مبحث زمان، به این نکته اشاره می‌کند که نشانه استمرار در گویش به شکل‌های *me-*، *mi*، *mæ-*، *mo-* به کار می‌رود، با این توضیح که */i/* بر اثر همگونی با واکه نخستین هجای فعل تغییر می‌کند، مثل: *me:rex* (می‌ریخت)، *mogoftum* (می‌گفتم)، *mæraef* (می‌رفت). ملاحظه می‌شود که در تحلیل بروغنی عامل تغییر واکه، نوع واکه موجود در هجای اول فعل در نظر گرفته شده است. بروغنی جز این اشاره مختصر بیشتر به این بحث نمی‌پردازد؛ با این حال، در سایر داده‌هایی که از این گویش آورده، نمونه‌های قابل تأملی به چشم می‌خورد: *doštum močondum* (داشتم می‌چیدم) (همان: ۷۰)؛ *bexereyæ bi ye yum* (خریده بودم) (همان: ۷۳)

کرد زعفرانلو (۱۳۸۵: ۱۹۰)، ضمن پرداختن به مبحث همگونی، هماهنگی واکه‌ای را چنین تعریف می‌کند: وقتی واکه‌های موجود در یک واژه در بعضی مشخصه‌های واجی با یکدیگر همگون شوند، هماهنگی واکه‌ای به وجود می‌آید. وی با ارائه داده‌هایی از زبان فارسی این پدیده را توصیف می‌کند. علاوه بر این، کرد زعفرانلو، با تکیه بر داده‌های ارائه شده توسط بروغنی (۱۳۸۳) در «بررسی واج‌شناختی گویش سبزوار»، به هماهنگی واکه‌ای بین واکه پیشوند *be-* و واکه ستاک فعلی در این گویش اشاره می‌کند، اما تحلیلی از این داده‌ها ارائه نمی‌کند. (همان: ۴۱۲)

در سایر گویش‌های منطقه خراسان نیز تغییر واکه‌های پیشوند فعلی براساس واکه موجود در فعل بعد از پیشوند مشاهده می‌شود. برای نمونه، در گویش کاشمر نیز پیشوند *be-* به صورت‌های *bi-* و *bo-* و پیشوند *mi-* به صورت‌های *mæ-*، *mo-*، *me-* ظاهر می‌شود؛ با این توضیح که صورت *me-* برای زمان گذشته، صورت *mo-* برای افعالی که هجای اول آنها دارای مصوت *o* یا *u* باشد و صورت *mæ-* در سایر موارد به کار می‌رود: *mæxærom* (می‌خرم)، *moxorom* (می‌خورم)، *mexændidom* (می‌خندیدم). (اسحاقی ۱۳۷۹: ۱۰۳ و ۱۰۸)

در این بررسی‌ها، بیشتر در مورد هماهنگی پیشوند فعلی با فعل بحث شده است و به هماهنگی حروف اضافه با اسم اشاره‌ای نشده است.

در ادامه این مقاله به ارائه و تحلیل نمونه‌هایی از هماهنگی واکه‌ای (پیشوند فعلی با فعل و حروف اضافه با اسم) در گویش شهر سبزوار می‌پردازیم.

۳ هماهنگی واکه‌ای

۳-۱ هماهنگی پیشوند فعلی با فعل

۳-۱-۱ پیشوند می - (mi-) در گویش سبزواری، پیشوند می - در ساخت مضارع اخباری و

ماضی استمراری، برحسب واکه موجود در ریشه فعل بعد از خود، به صورت‌های متعددی ظاهر می‌شود. در این قسمت این صورت‌ها بررسی می‌شوند.

۱) مضارع اخباری - در ساخت مضارع اخباری پیشوند می - دارای گونه‌های زیر است:

mæ-	mæ-ræ	می‌رود	reftæn
mə-	mə-ndæzæ	می‌اندازد	endæxtæn
mi-	mi-nvisæ	می‌نویسد	nivištæn
mo-	mo-brom	می‌برم	bordæn
mu-	mu-kšum	می‌کشم	kuštæn

در مورد این افعال چند نکته گفتنی است:

الف) واکه /ə/ واکه‌ای خنثی است که بیشتر با واکه‌های /e/ و /æ/ هماهنگ می‌شود. ب) پس از افزودن پیشوند می - به فعل مضارع، واکه موجود در هجای اول ریشه افعالی که عمدتاً دو یا بیش از دو هجا دارند حذف می‌شود و، در نتیجه، به نظر می‌رسد که ریشه فعلی با خوشه دو همخوانی شروع شده است. همخوان اول این خوشه با اتصال به واکه پیشوند فعلی یک هجای CVC تشکیل می‌دهد.

ج) حذف واکه موجود در ریشه فعل، پس از اعمال قاعده هماهنگی، صورت می‌گیرد؛ به عبارت دیگر، در اکثر موارد، ابتدا واکه پیشوند با واکه فعل هماهنگ می‌گردد و بعد قاعده حذف واکه عمل می‌کند.^۱ به عنوان مثال، صورتی مثل mo-br-om در اصل به صورت mi-bor-om است که پس از تبدیل mi- به mo- حذف واکه موجود در تکواژ bor صورت می‌گیرد.

۱) در مورد صرف مضارع اخباری فعل «کردن»، «خواستن»، «گفتن» و چند فعل دیگر این نکته صدق نمی‌کند. به نظر می‌رسد زمانی که فعل مضارع اخباری تنها از دو هجا تشکیل شده است، یا، به عبارت دیگر، از تکواژ مضارع در صیگان تصریفی فعل تنها یک واج باقی می‌ماند، و پیشوند می - با شناسه فعل هماهنگ می‌شود. دو صورت زیر را با هم مقایسه کنید، ظاهراً وجود صامت /t/ مانع اعمال هماهنگی واکه‌ای در فعل «خوردن» می‌شود: می‌خوری: moxri، می‌خورم: moxrom؛ می‌خواهی: mixi، می‌خواهم: moxom.

در صرف یک فعل واحد، تنوع شکل‌های مختلف پیشوند می- دیده می‌شود. مثال زیر، صرف مضارع اخباری فعل «کردن» (kerdæn) را در این گویش نشان می‌دهد. لازم است توضیح داده شود که از تکواژ مضارع kon در صیغگان تصریفی مضارع اخباری تنها صامت n باقی می‌ماند:

monom	می‌کنم	mənəm	می‌کنیم
mini	می‌کنی	mənə	می‌کنید
mənæ	می‌کند	mənən	می‌کنند

جالب توجه است که، به دلیل هماهنگی واکه پیشوند با فعل و حذف واکه فعل، در مواردی، واکه هماهنگ شده پیشوند باعث تمایز دو صورت می‌شود. در نمونه زیر، تفاوت دو فعل «کشیدن» و «کشتن»، که پس از حذف واکه صورت یکسانی پیدا کرده‌اند، از طریق واکه پیشوند فعلی مشخص می‌گردد.

me-kši	می‌کشی	(kišyæn کشیدن)
mæ-kšæ	می‌کشد	
mu-kši	می‌کُشی	(kuštæn کشتن)
mu-kšæ	می‌کُشد	

(۲) ماضی استمراری - پیشوند می- در ساخت ماضی استمراری دارای دو گونه mæ- و

me- است:

mæ-	mæ-ræf	می‌رفت
	mæ:-mæ	می‌آمد
	mæ-zæ	می‌زد
me-	me-rex	می‌ریخت
	me-kerd	می‌کرد
	me-bord	می‌برد
	me-xard	می‌خورد
	me-košt	می‌کشت

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، اگر ریشه فعلی دارای واکه æ باشد، صورت -mæ و، در غیر این صورت، پیشوند -me ظاهر می‌شود.

۳-۱-۲ پیشوند ب- (-be) - در گویش سبزواری، به خلاف فارسی، پیشوند ب- (-be)، علاوه بر افعال مضارع التزامی و امر، با افعال ماضی نیز به کار می‌رود. در این حالت، این پیشوند براساس واکه موجود در فعل بعد از خود صورت‌های زیر را خواهد داشت:

(۱) زمان ماضی:

bo-	bo-mord	مُرد	mordæn
	bo-šos	شُست	šostæn
bi-	bi-kši	کشید	kišiyæn
	bi-škaes	شکست	šigistæn
bə-	bə-rex	ریخت	rextæn
	bə-ræf	رفت	reftæn

همان‌طور که ملاحظه می‌گردد، واکه پیشوند با واکه هجای اول مصدر این افعال مطابقت دارد. از سوی دیگر، با حذف همخوان n از پایان مصدر، صفت مفعولی (که در این گویش مختوم به واکه æ- است) ساخته می‌شود. افزودن پیشوند -be به صفت مفعولی نیز هماهنگی واکه‌ای را به دنبال دارد؛ به این ترتیب که واکه پیشوند با اولین واکه صفت مفعولی هماهنگ می‌گردد. در مرحله بعد، اگر صفت مفعولی بیش از دو هجا داشته باشد، واکه اولین هجا (پس از هماهنگی) حذف می‌گردد و به نظر می‌رسد که ریشه فعلی با خوشه دو همخوانی آغاز شده است:

bo-šost-æ > šost-æ > šost-æn: بشسته > شسته > شستن
bi-kši-y-æ > kišiy-æ > kišiy-æn: بکشیده > کشیده > کشیدن

(۲) مضارع التزامی و امر - در ساخت مضارع التزامی و امر، پیشوند ب- دارای سه گونه be، ba و bi- است که بر حسب واکه ریشه فعل و هماهنگ با آن به کار می‌رود.

مضارع التزامی:

ba-	ba-šay-om	بشویم
bi-	bi-y-ar-om	بیاورم
be-	be-xer-om	بخرم

امر:

ba-	ba-xar	بخور
be-	be-xer	بخر
bi-	bi-y-a	بیا

همان گونه که ملاحظه می‌شود، هنگامی که ریشه فعلی با واکه آغاز گردد، همخوان میانجی y ظاهر می‌شود. در این حالت، واکه پیشوند از نظر افراستگی با همخوان میانجی همگون می‌شود و صورت bi- قبل از y ظاهر می‌شود. این نکته در مورد پیشوند می- نیز صادق است.

۳-۲ هماهنگی حرف اضافه واسم -از میان حروف اضافه موجود در این گویش، حروف اضافه‌ای که به واکه ختم می‌شوند، یعنی «به» و «در» (که در این گویش با حذف همخوان پایانی «ر» به صورت dæ- به کار می‌رود) هماهنگی واکه‌ای را نشان می‌دهند.^۲ در این قسمت نمونه‌های کاربرد این حروف ارائه می‌گردد.

۳-۲-۱ حرف اضافه «به» - در گویش سبزواری، حرف اضافه «به»، با توجه به اسم بعد از خود، به یکی از صورت‌های زیر ظاهر می‌شود (قابل توجه است که حروف اضافه در این گویش به خلاف فارسی معیار غیرقابل حذف‌اند):

be	bar be exer kičæ	برو به آخر کوچه.
		یا
bo	bar bo axær kičæ	برو به آخر کوچه.
bi	bi ri miz næra	به روی میز نرو.

(۲) این نکته در مورد حروف اضافه مختم به واکه /a/ مثل «با» و «تا» صادق نیست.

bu bu kuj meri? به کجا می‌روی؟

bə bere bə sər səf بروید به سر صف.

در مورد bo، واکه حرف اضافه تنها از نظر پسین بودن با واکه /a/ هماهنگ شده است.

۳-۲-۲ حرف اضافه «در» - حرف اضافه «در» در گویش سبزواری (بدون همخوان پایانی /r/)³ به صورت‌های زیر به کار می‌رود:

di ali di min kičæs علی در میان (توی) کوچه است.

do mexta do qottis میخ‌ها در قوطی‌اند.

de de exer səfe در آخر صف است.

du kotab du šu⁴ mize کتاب در زیر میز است.

də kotab də zer mize کتاب در زیر میز است.

این حرف به عنوان پیشوند فعلی (در افعال پیشوندی) نیز گونه‌های متعددی می‌یابد. پیشوند فعلی ممکن است باعث تغییر معنی فعل گردد:

di	di-bistæn	بستن	bistæn
	di-gziyæn	گزیدن	giziyaen
	di-kšiyæn	درکشیدن	kišyaen
do	do-baftæn	بافتن	baftæn
de	de-ndaxtæn	درانداختن	endaxtæn
də	də-kerdan	جا کردن	kerdaen

در این مورد نیز، افزودن پیشوند فعلی به فعل هماهنگی واکه‌ای را به دنبال دارد؛ به این ترتیب که واکه پیشوند با اولین واکه فعل هماهنگ می‌گردد⁵؛ در مرحله بعد، اگر فعل بیش از دو هجا داشته باشد، واکه اولین هجا (پس از هماهنگی) حذف می‌گردد.

۳) با توجه به اینکه این حرف همواره با اسم بعد از خود هماهنگ می‌شود، تعیین صورت اصلی (زیرساختی) آن مشکل می‌نماید و شاید در نظر گرفتن یک «واکه شامل» برای آن به صورت dv مناسب‌تر باشد.
۴) šu به معنی «زیر» است.

۵) در مورد فعل «باختن»، پیشوند فعلی تنها از نظر پسین بودن با واکه فعل هماهنگ می‌گردد.

در ساخت امری این افعال، پیشوند فعلی به صورت «dæ-» ظاهر می‌شود:

bistæn	ببند	dæ-bend
kišyæn	بکش	dæ-keš
baftæn	بیاف	dæ-baf
kerdæn	درکن (جاکن)	dæ-ku
endaxtæn	درانداز	dæ-ndez

اما همان‌طور که ملاحظه می‌گردد، در این کاربرد، هماهنگی واکه‌ای دیده نمی‌شود. این نکته در مورد پیشوند va-، ve- نیز صادق است:

مصدر	امر
va-ndaxtæn	واانداختن
ve-ndaxtæn	واانداز
va-stundæn	وااستاندن
ve-stundæn	وااستان
va-gerdiyæn	واگردیدن
ve-gerdiyæn	واگرد
va-ndez	وامند
ve-ndez	وامند
va-stu	واست
ve-stu	واست
va-gerd	وامگرد
ve-gerd	وامگرد

به نظر می‌رسد لزوم ظهور برخی واکه‌ها به صورت‌های خاص (مثل æ در ساخت امر dæ) مانع اعمال هماهنگی واکه‌ای می‌گردد.

۴ نتیجه‌گیری

هماهنگی واکه‌ای یکی از ویژگی‌های قابل توجه گویش سبزواری است و در مواردی به وقوع می‌پیوندد که عنصر هماهنگ شوند، یعنی پیشوندهای فعلی و حروف اضافه، مختوم به واکه باشند (de, be, be-, mi-). این نکته در مورد حروف اضافه مختوم به واکه /a/ مثل «با» و «تا» صادق نیست. هماهنگی مذکور از نوع پسرو است که می‌تواند به صورت کامل یا ناقص صورت گیرد. عامل تعیین‌کننده هماهنگی معمولاً هجای اول فعل یا اسم است. در مورد افعال، غالباً پس از افزودن پیشوند فعلی به فعل، واکه موجود در هجای اول ریشه افعالی که عمدتاً دو یا بیش از دو هجا دارند حذف می‌شود. نکته قابل توجه این است که حذف واکه موجود در ریشه فعل پس از اعمال قاعده هماهنگی صورت می‌گیرد؛ به عبارت دیگر، در اکثر موارد، ابتدا واکه پیشوند با واکه فعل هماهنگ می‌گردد و بعد قاعده حذف واکه عمل می‌کند. در مورد حروف اضافه «به» و مخصوصاً

«در» نیز این نکته گفتنی است که، با توجه به اینکه حروف اضافه همواره با اسم بعد از خود هماهنگ می‌شوند، تعیین صورت اصلی (زیرساختی) آنها مشکل می‌نماید و شاید در نظر گرفتن یک «واکه شامل» برای آنها به صورت‌های dv و bv مناسب‌تر باشد.

منابع

- اسحاقی، الیاس (۱۳۷۹). «بررسی و توصیف گویش کاشمر». پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه فردوسی.
- بروغنی، ابوالفضل (۱۳۸۱). بررسی زبان‌شناسانه گویش سبزوار. سبزوار: ابن یمین.
- بروغنی، فاطمه (۱۳۸۳). «بررسی واج‌شناختی گویش سبزواری». پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تربیت مدرس.
- بیهقی، محمود (۱۳۷۹). سبزوار شهر دانشوران بیدار. مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.
- ____ (۱۳۸۳). دایرةالمعارف بزرگ سبزوار، ج ۱. سبزوار: آژند.
- دلبری، حسین (۱۳۸۰). «بررسی و توصیف گویش دلبر». پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه فردوسی.
- زمردیان، رضا (۱۳۷۹). راهنمای گردآوری و توصیف گویشها. مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.
- کرد زعفرانلو، عالیہ (۱۳۸۵). واج‌شناسی، رویکردهای قاعده بنیاد. تهران: سمت.

